



ارتش جمهوری اسلامی ایران
سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

تیر خلاص

نویسنده:

محمد حسن صادق زاده بوده

سال ۱۳۹۳

سرشناسه	: صادق زاده پوده ، محمد حسن ، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآورنده	: تیر خلاص / نویسنده محمد حسن صادق زاده پوده؛ به سفارش سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
مشخصات نشر	: تهران : سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران ، انتشارات آتشبار ، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۲۶۵ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۶-۰۳-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان های فارسی - قرن ۱۴
شناسه الزوده	: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران ، انتشارات آتشبار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۹۴۶ت۹ الف/۱۳۱ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۶۲۸۳۹

تیر خلاص

تألیف: محمد حسن صادق زاده پوده

نوبت چاپ: اول

ویراستار: سید بهزاد میراحمدی - حامد قره باغی

صفحه آرای: حامد قره باغی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۶-۰۳-۸

سال چاپ: ۱۳۹۳

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

ناشر: آتشبار وابسته به سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس معاونت فرهنگی و

هنری ستاد مشترک ارتش ج.ا.ا

تلفن تماس: ۰۲۱-۸۱۹۵۴۱۱۱؛ ۰۲۱-۸۱۹۵۳۳۰۱

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

آیا گذشته چراغ راه آینده است؟! شنیدن حوادث دوران دفاع مقدس برای همه نسل‌ها در این سرزمین رضوی^(۴) شیرین خواهد بود. حوادث تلخ و شیرینی که حاوی نیش‌ها، نوش‌ها، عبرت‌ها و آموزه‌های فراوان است. این حوادث اگر از زبان کسانی که خود در صحنه‌های مختلف دفاع از میهن و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضور داشته‌اند و شاهد آن حوادث بوده‌اند، شنیده شود شیرین‌تر و مستندتر خواهد بود. اگر چه برخی از حوادث به ظاهر تلخ یا شیرین است! اما جذاب و شنیدنی است. باید این حوادث به رشته تحریر در آید، اگر چه در بیان خاطرات و حوادث خود نویسنده، آنها را گزینش می‌نماید. اما این نکته را نمی‌توان از یاد برد که در این برهه حساس تاریخی، چاره‌ای جز این وجود ندارد که به پای سخن چنین مردانی نشست که همراه با زمان، موهای خود را سفید نموده‌اند و موی سفید آنان حاکی از «عبرت‌ها و آموزه‌های» فراوانی است. راستی هنوز این سؤال بی‌پاسخ مانده که اگر سرزمینی مورد حمله بیگانگان قرار گیرد چه باید کرد؟! در چنین وضعیتی جهانیان از مردم این سرزمین چه انتظاری خواهند داشت؟! پس از گذشت از حادثه و عبور از بحران چه باید کرد؟! با این نگرش، از جناب آقای منصور بوستانی که خود از یادگاران جبهه و جنگ است، درخواست شده تا خاطرات خود را نگاشته تا عبرت‌های یاد شده در آن به آموزه‌هایی تبدیل شود که خود موجب عبرت گردد و به نسل‌های آینده یادآوری نماید که برای هر وجب از خاک این سرزمین رضوی^(۵) در روزهای غربت ایران

اسلامی چه فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و از جان گذشتگی‌ها که صورت نگرفته است؟! باشد که نسل‌های آینده، خود این میراث گرانبها را گرامی بدارند و همچون اجداد سلف خود پاسدار حرمت‌ها و حافظ ارزش‌های متعالی آن باشند.

کتاب حاضر نیز با بیانی صمیمی و دلنشین حاصل دلبسته‌های یکی از نویسندگان ارجمندی است که خود با تمام وجود دفاع مقدس را درک کرده و از خیل نعمات آن بهره برده است.

وین‌الله توفیق

مادان سلاطین و شهبانان دانش‌های دفاع مقدس آجا

سررتب دوم متدبرایم کلام

سخن مؤلف

وقتی انسان قلم به دست می‌گیرد و می‌خواهد خاطره بنویسد، ناخودآگاه می‌رود در زمان وقوع خاطره. غم و اندوه، شادی و سرور، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها، با دیدی وسیع‌تر، به مسافت طول زمان گذشته از تاریخ خاطره، در نظرش خودنمایی می‌کند. آنگاه است که نویسنده دلش می‌خواهد نسل‌های بعد از خودش با او در شادی‌هایش شریک باشند و از ناکامی‌هایش عبرت بگیرند.

این حقیر پس از نگارش یازده عنوان کتاب گذشته به این نکته وقوف پیدا نمودم که نیاز است تا با ثبت حقایقی نشان دهم، اگر کسی در کودکی به هر دلیلی موقعیت تحصیل نداشت و کارگر کارخانه، کفاشی، بنایی و موارد مشابه بود، دلش هم می‌خواست جبران مافات کند، بدانند که شدنی است.

به این دلیل در کتاب حاضر سعی شده است. ضمن دور نشدن از هدف اصلی که زنده نگاه داشتن یاد و خاطره دفاع مقدس است. درباره موضوع فوق نکاتی را به صورت مستند پیش روی جوانان به ویژه آن عزیزانی که طالب رشد هستند گذاشته شود. تا بدانند: موقعیت‌های سخت خدمتی، داشتن زن و بچه، فقر و نداری، غربت و مسایل مشابه نه تنها نمی‌تواند مانع تلاش بشود بلکه در بیشتر اوقات این قبیل مشکلات انگیزه برای تحرک بیشتر هم خواهد شد.

والسلام نویسنده

فهرست

عنوان صفحه

۲	هوای خوب
۲	قصه حبیب
۷	سیری در گذشته
۱۱	راز سن تکلیف
۱۳	کشت تریاک
۱۵	باج نده
۱۶	الاغ قراق
۱۸	منظره عجیب
۲۱	مهاجرت به شهر
۲۳	کار در مغازه بقالی
۲۵	کارگر ریسندگی
۲۸	خواب ترسناک
۳۰	مراحل کفاش شدن
۳۴	انامه تحصیل
۳۵	مرگ مادر
۳۷	ترک تحصیل مجدد
۳۸	ادامه قصه حبیب
۴۰	سم لعنتی یا مار خوش خط و خال
۴۳	غم بی‌مادری
۴۵	دختر زن پدر
۴۷	کساد کفاشی
۵۰	جواز استخدام
۵۲	استخدام در ارتش
۵۵	اولین روز ورود به ارتش
۵۷	پالتوی بی‌آستین
۵۸	ورود به اصفهان
۶۰	آشنایی با احمد
۶۲	ازدواج آسان
۶۴	دوست جدید
۶۶	مأموریت‌های بی‌پای
۷۰	بازدید ارتشبد آریانا

۷۱	فتوای امام خمینی
۷۲	زندگی در دزفول
۷۴	تنها مشکل من در اهواز
۷۶	خبر مرگ مصطفی
۷۸	وقت نماز
۷۹	قوت پدر
۸۰	تپه ۳۴۳
۸۲	نجات از گرما
۸۴	خبر مرگ بدالله
۸۵	انتقال به تهران
۸۶	قطار زندگی
۸۹	انتقال به اصفهان
۹۱	بار تعطیل شد
۹۳	بازرس‌های ناشناس
۹۴	فرمانده دسته دانشجویی
۹۸	نویسنده الله اکبر کیست؟
۱۰۲	آتشبار مرگ بر شاه
۱۰۷	روزهای پر التهاب
۱۰۹	تصمیم خطرناک
۱۱۱	این افسر خائن است
۱۱۴	زندانیان با معرفت
۱۱۶	احمد بلوف زد من آزاد شدم
۱۱۸	معجزه نماز امام زمان (عج)
۱۲۰	احمد افسر آبیار
۱۲۲	بازگشت دانشجویان به پادگان
۱۲۴	قرآن می‌خوانم و بحث می‌کنم
۱۲۶	خبر انتقال به کردستان
۱۳۰	سنگ فرز
۱۳۲	مهاجران بی‌سر
۱۳۳	افکار منشنج
۱۳۵	وسوسه شیطان
۱۳۶	تورید از تصمیم
۱۳۹	حرکت به کردستان
۱۴۲	اوضاع کردستان در سال ۱۳۵۸
۱۴۴	ورود به سقز

۱۴۶		اوضاع تیپ ۲ سقر بعد از انقلاب
۱۴۷		تمویض پی‌درپی فرماندهان
۱۴۹		مجموعه ساختمان‌های ساواک
۱۵۶		تکبیر در شب
۱۵۹		تاکتیک گروه‌ها در سال ۱۳۵۸
۱۶۰		اوضاع ارتش در اول انقلاب
۱۶۳		تحرکات دشمن بمشی
۱۶۳		سرباز شرفی
۱۶۴		رفتن سپاه پاسداران
۱۶۵		راهپیمایی و حجت
۱۶۸		ما برای کشته شدن آمدیم
۱۶۹		تهیه سنگر
۱۷۲		شروع درگیری سوم کردستان
۱۷۳		درگیری پادگان سقر
۱۷۵		مأموریت آتشبار دوم
۱۷۶		سال پر ماجرا
۱۷۸		خدا نگه می‌دارد
۱۸۱		هماهنگی نفس و شیطان
۱۸۳		سها
۱۸۵		بچه‌ها به ما حساسند
۱۸۶		بازگشت سپاه پاسداران
۱۸۸		دو شب پرخاطره
۱۹۰		سرباز بی‌سر
۱۹۱		تیراندازی مشکوک
۱۹۳		ساختن حمام
۱۹۶		بازرس‌گیری مجموعه ساختمان‌های ساواک سابق
۱۹۸		پیدا کردن جای دشمن با گرای معکوس
۲۰۰		پرواز حسرت
۲۰۲		پشتیبانی از ستون نظامی
۲۰۵		انتظامات انقلابی
۲۰۷		حمله ارتش عراق به ایران
۲۰۹		شهادت احمد میرحاج
۲۱۱		روحانی یسجی
۲۱۲		جای به موقع

۲۱۵	ترور شهید هندی
۲۱۶	فرمانده جدید پادگان
۲۱۸	بازگشت از مرخصی
۲۲۰	گرفتن سگها
۲۲۶	سرهای استخوان سوز
۲۲۸	به سوی دیواندره
۲۳۰	کمین ضدانقلاب‌ها
۲۳۱	جبر شهادت منوچهر زنگنه
۲۳۲	جلسه چهار نفره
۲۳۴	در سنج
۲۳۵	آمادگی برای دیدنی
۲۳۶	تجاوز به حریم جندها
۲۳۸	مسئولیت بسیج
۲۴۰	بسیجی بی‌نشان
۲۴۳	حمله به دالانی
۲۴۴	از خودگذشتگی بسیجی
۲۴۶	بازگشت سرهنگ صیاد شیرازی
۲۴۷	بعد از سفر مکه
۲۵۰	نقش شهید صیاد شیرازی در مکتبی شدن ارتش
۲۵۱	آخرین باقیمانده
۲۵۳	ورود به اصفهان
۲۵۴	مفقود شدن علیرضا
۲۵۸	انتقالی بعد از دوره عالی
۲۵۹	خبر اسارت
۲۶۰	علیرضا را فروخته‌اند